

شکل (۱)

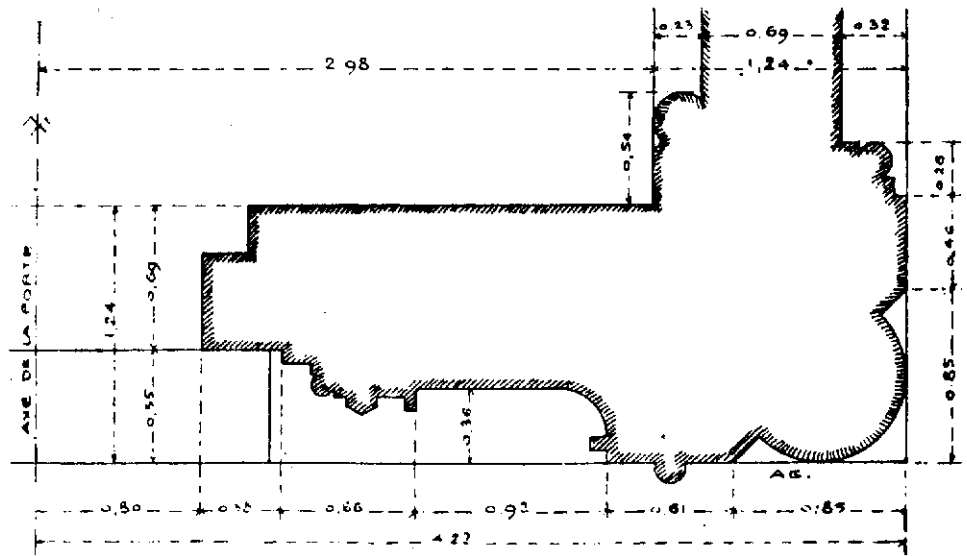
# گنبد سرخ مراغه

دکتر عیسی بهنام  
استاد دانشگاه و رئیس اداره موزه‌ها

برای روشنائی تعبیه کرده‌اند، و به این مناسبت قسمتی از کتیبه‌های آن خراب شده. قسمتهای پائین بنا بهم ریخته و بیم آن میرود که رطوبت در آن اثر کند و آرامگاه را از یا بیاندازد. با این حال این بنای نیمه خراب بسیار زیبا است و شاید از بسیاری از کاخهای مجلی که امروز به سبک خارجی در تهران ساخته می‌شود زیباتر است. (شکل ۱)

فقط برای این که خوانندگان اطلاع پیدا کنند تا چه اندازه معماران ایرانی در آن زمان در کار خود ذوق و سلیقه

گنبد سرخ مراغه رو به خرابی است. در حدود ۸۰۰ سال است که این بنا در شمال ایران در مقابل تمام حوادث پایداری کرده تا بتواند امروز در مقابل من و شما شهادت دهد که پدران ما مردمان بسیار باسلیقه‌ای بوده‌اند و هنرشان را در همه جا و حتی در مورد ساختن آرامگاه‌هایشان بکار برده‌اند. آرامگاهی که امروز تحت نام گنبد سرخ شناخته شده مانند مجسمه زیبایی است که سرودست او شکسته باشد. قسمت خارجی پوشش آن از میان رفته و در جدارهایش سوراخهایی



شکل (۲)



شکل (۳)

بکار برده‌اند قسمتی از طرح دیوار گوشه شرقی این بنا نشان داده می‌شود. (شکل ۲)

اگر کسی در حال حاضر می‌خواست آرامگاهی بسازد قطعاً آنقدر هنر در گوشه دیوار آن بخرج نمی‌داد. این طرح پیچیده و دقیق بقدری با تناسب و موزون است که خود بمنزله شاهکاری از هنر معماری است.

شکل (۳) گوشه نمای خارجی این طرح را نشان می‌دهد و عبارت از نیمه ستونی است که با آجر تراشیده ساخته شده و بقدری هنر در آن بکار رفته که بصورت شاهکاری از هنر آجر تراشی درآمده است.

آجر تراشی از ابتکارات معماران ایرانی است و در کشورهای دیگر معمول نبوده است. آجرهای قرمز را به قطعات مورد نظر می‌تراشیدند و روی بنا کار می‌گذاشتند و بوسیله فرورفتگی و پیش‌آمدگیها، نقوش و تزئیناتی ایجاد می‌نمودند که روی دیوار سایه و روشن مطبوعی ایجاد می‌کرد. اینطور بنظر می‌رسد که فن آجر تراشی از قرن پنجم در ایران معمول گردید و یکی از نمونه‌های خوب آن، برج سلطان مسعود سوم در غزنه می‌باشد که تاریخ ۵۰۸ دارد.

شکل (۴) سر در ورود این بنا را نشان می‌دهد. هشتصد سال گذشت زمان این سر در را به حال خرابه‌ای درآورده ولی به آسانی می‌توان وضع آن را در موقعی که هنوز خراب نشده بود در نظر مجسم کرد.



بالای در ورود طاق‌نمای کوچک، با قوس شکسته، که آن نیز از ابتکارات معماران ایران است، دیده می‌شود. نیمرخ نوارهای قوس بسیار مشکل و پیچیده است و قابل مقایسه با نیمرخ گوشه‌های دیوارهای بنا است. داخل این قوس با آجر تراشیده نقشی به صورت دایره‌های متقاطع بوجود آورده‌اند و برای نخستین بار کاشیهای تراشیده نیز بکار رفته است.

این نقش مرکزی در داخل کتیبه‌ای که به خط کوفی نوشته شده قرار گرفته است. متن کتیبه نیز در آجر تراشیده شده و چون کم رنگ‌تر از زمینه آن است بخوبی نمایان گردیده. کتیبه‌گنبد سرخ (۵۴۳ هجری) از نظر زیبایی و تناسب به پای کتیبه‌های برج سلطان مسعود در غزنه (۵۰۸ هجری) نمی‌رسد. باین حال برای این که تمام مطلب مورد لزوم در بالای سر در جای داده شود سلیقه و ذوقی بکار برده شده.

برای این که خوانندگان آشنائی به خطوط معمول در قرن پنجم و ششم در روی ساختمان پیدا کنند، آن را در شکل (۵) و (۶) نشان می‌دهیم. قرائت آن بقرار زیر است:

امر ببناء هذه القبة الا میرالرئيس العالم فخرالدین عماد الاسلام قوام آذربایجان ابوالعز عبدالعزیز بن محمود بن سعد یدبم الله علاه.

در داخل دولچکی که در بالای قوس شکسته قرار دارد از کاشیهای فیروزه‌ای استفاده کرده با ترکیب آن با رنگ قرمز آجرنمای گنبد سرخ را مبدل به یک صفحه مینائی شبیه به صفحات کتب مصور هم‌دوره خود نموده است.

کتیبه دیگری در بالای لچکها قرار گرفته که تاریخ ساختمان بنا نیز از روی آن معلوم می‌شود. (شکل ۷)

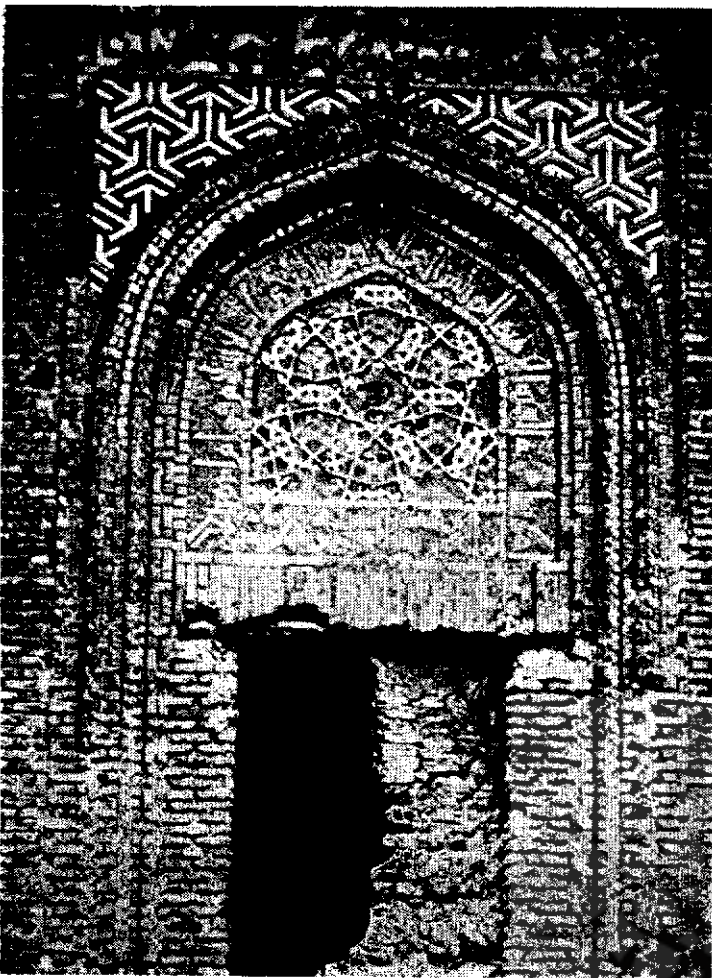
بنی‌المشهد فی‌الحادی عشر من شوال سنه اثنین و اربعین و خمسمائه.

از کتیبه‌های مذکور در بالا چنین برمی‌آید که این آرامگاه برای عبدالعزیز بن محمود بن سعد قوام آذربایجان ساخته شده و ساختمان آن در تاریخ ۵۴۲ به پایان رسیده.

تاریخ ایران در اواخر دوره سلجوقیان بقدری پیچیده است که تشخیص قوام آذربایجان در این تاریخ کار مشکلی است و بهر حال مربوط به تاریخ است و از حدود تاریخ هنر خارج می‌شود.

هنر آجر تراشی و تزیین ابنیه بوسیله آجرهای تراشیده که از قرن پنجم هجری در ایران معمول گردید تا اواخر قرن ششم راه تکامل خود را پیمود. در آن تاریخ گچ بری جای آجر تراشی را گرفت و محرابهای زیبا از گچ بریده در مسجد جامع اصفهان و مسجد ورامین و مسجد جامع اردستان و قزوین و بسیاری از نقاط دیگر ایران ساخته شد.

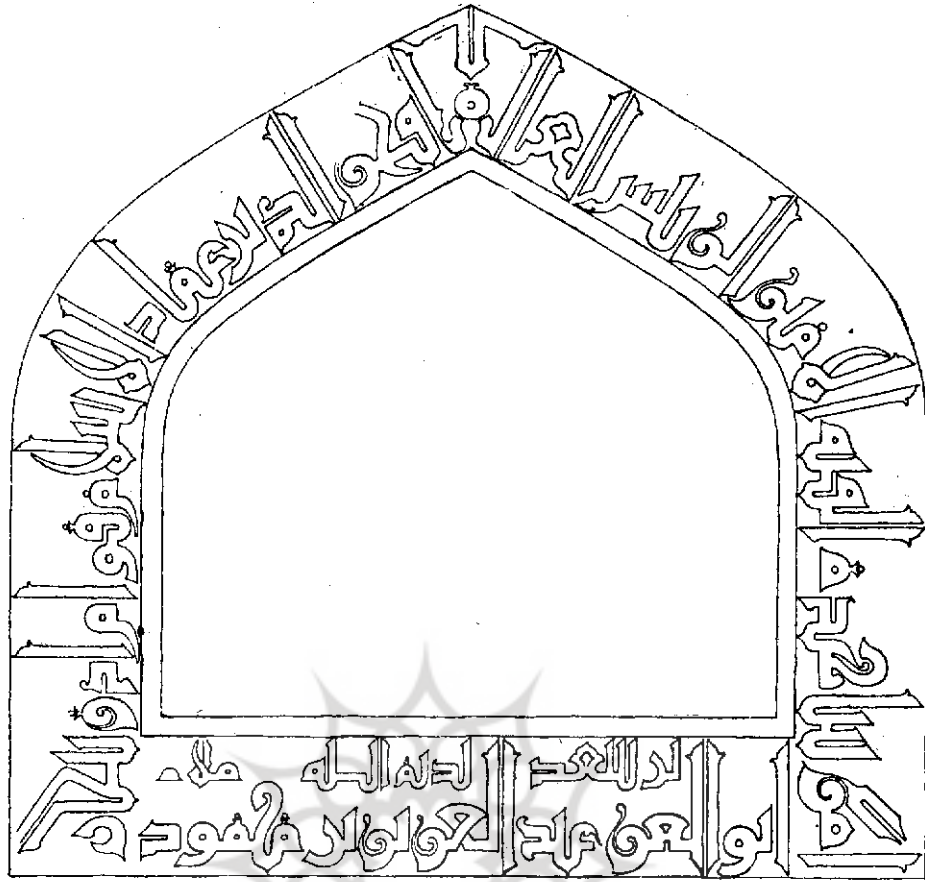
از اوایل قرن نهم هجری کاشی‌تراشی در ساختمانها معمول شد و بنای در امام و آرامگاه هارون در اصفهان بهترین نمونه‌های



شکل (۴)

کاشیهای فوق در زمان گذشته می‌باشد. در عهد سلطنت شاه عباس کاشیهای هفت‌رنگ جانشین تمام انواع قبلی شد و مسجد شاه اصفهان با کاشیهای هفت‌رنگ ساخته شده.

در زمان شاه سلطان حسین مجدداً سبک کاشیهای معرق معمول شد و یکی از بهترین نمونه‌های آن طاق هشتی ورودی مدرسه مادر شاه در اصفهان می‌باشد. در این زمان رنگهای جدیدی وارد معرق کاری با کاشی شد و خصوصاً یک نوع رنگ زرد روی کار آمد که جلوه مخصوصی به معرق کاری با کاشی داد. در قرن ۱۳ هجری کاشی تراشان برای تزیین بناهای کشور ما بکار خود ادامه دادند ولی این بار قطعات تراشیده کاشی بزرگتر از سابق بود و نمونه این گونه ابنیه که در دو قرن اخیر در ایران ساخته شده در کاخ گلستان و بسیاری از ابنیه قزوین و نقاط دیگر ایران دیده می‌شود.



شکل (۵)



شکل (۶)

پرتال جامع علوم انسانی

شکل (۷)

